

واکاوی تأثیر حکم آزادی مشروط در پیشگیری از تکرار جرم



عاطفه لرجوری، عضو هیئت علمی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان
سیده مائده تقوی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق، قاضی اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب لنگرود
سجاد رضائی نژاد دیلمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، باز پرس دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان لنگرود
سیده پرستو آریانژاد، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

پیشگیری از تکرار جرم را می‌توان قسمت مهمی از فرآیند کیفری دانست که نیل به آن از میزان پرونده‌های محاکم به نحو قابل ملاحظه‌ای کاسته و امنیت جزایی جامعه هدف را نیز تأمین خواهد نمود. اهمیت این امر را باید بیش از هر جای دیگر در شرایط اتخاذ نهادهای ارفاقی همچون آزادی مشروط جست‌وجو نمود. در نظام کیفری ایران و مبتنی بر بند «ب» و «ت» ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی می‌بایست پیش‌بینی عدم ارتکاب مجدد جرم و همچنین عدم سابقه استفاده از نهاد آزادی مشروط را در اخذ تصمیم نهایی در خصوص اعطای این نهاد ارفاقی دخیل دانست؛ بنابراین می‌توان با استناد به تصمیم مقنن در وضع دو بند فوق بر تصمیم وی نسبت به وضع نهادی در جهت پیشگیری از وقوع مکرر جرایم و به اصطلاح پیشگیری از تکرار جرم صحه گذاشت. واژگان کلیدی: آزادی مشروط، پیشگیری، تکرار جرم



درآمد

آزادی مشروط^(۱) با پشتوانه تاریخی و ریشه در تحولات قانون جزای سال ۱۹۳۰ ایتالیا (رجبی و چاووشی، ۱۳۹۷: ۱۱۶)، از جمله نهادهای ارفاقی مندرج در قانون مجازات اسلامی است که حقوقدانان در کتب مختلف، تعاریف متفاوتی از آن بیان داشته‌اند. برخی آن را آزادی موقت محکوم به حبسی که مدتی از دوره محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش‌بینی شده در قانون، قابلیت آزادی بقیه مدت مجازات را به دست آورده است دانسته‌اند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵)، در مقابل عده‌ای نیز آزادی مشروط را به رها نمودن موقت و مقطعی محکوم‌علیه قبل از انقضا معمولی مجازات او در صورت حائز بودن شرایط آن تعریف کرده‌اند (علی‌آبادی، ۱۳۵۲: ۳۵۷). پاره‌ای نیز تعلیق مدنی، از مجازات سلب آزادی به شرط تعهد جدی محکوم‌علیه به باز اجتماعی شدن را آزادی مشروط گفته‌اند (اخوت، ۱۳۸۵: ۱۲۴). این نهاد از سوی برخی نیز به عنوان آزادی زودهنگام و مشروط به شرط نظارت مقامات اصلاحی در طی باقیمانده حبس و از سرگیری حبس در صورت نقض شرایط اعمال شده خوانده شده است (Lehman, 2005: 149).

فواید و اهداف پیرامون اصدار این قرار را در گستره‌ای از نقش امیدبخش آزادی از نظر تربیت زندانی و تشویق او به حسن رفتار (صانعی، ۱۳۵۲: ۳۰۳)، انگیزه‌ای برای محکومین در زندان در جهت حسن سلوک و رفتار و رعایت مقررات زندان (آخوندی، ۱۳۶۹: ۱۴۰)، امکان اصلاح محکوم‌علیه و ارائه طریق در جهت جلوگیری از تکرار جرم (زراعت، ۱۳۸۵: ۲۵۰؛ شامبیاتی، ۱۳۷۶: ۴۹۶) و در قالب نهادی با رویکرد کرامت مدارانه (قدسی، قلیزاده و شیخ اسلامی، ۱۴۰۰: ۲۵) دانسته شده است.

از دیگر سو نهادینه شدن این رویکرد در نظام‌های کیفری دایر بر اینکه اصلاح و بازپروری بزه‌کاران صرفاً از طریق کیفر حبس امکان‌پذیر نبوده (الزرز، ۱۳۷۵: ۹۴) و گاه نتیجه عکس خواهد داشت، در تعمیق باور به استفاده از نهادهای ارفاقی چون آزادی مشروط واجد تأثیر بسزایی بوده است (عبدی، ۱۳۸۱: ۷۹).

این پژوهش بر آن است تا با مذاقه در ارتباط موجود فی‌مابین دو عنصر آزادی مشروط و پیشگیری از وقوع جرم به این مسئله بنیادین بپردازد که نهاد ارفاقی آزادی مشروط در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران تا چه حد، واجد ابتنای عملی و نظری بر قواعد پیشگیری از جرم می‌باشد.

۱- واکاوی پیشینه قانونی

بررسی بسترهای تاریخی موجود در خصوص قرار آزادی مشروط نشان می‌دهد که در تمامی بازه‌های تاریخی، تدوین مواد قانونی پیرامون این نهاد ارفاقی بحث از ظرفیت‌های موجود در جهت کاهش پدیده تکرار جرم و تلاش در جهت پیشگیری از آن دیده می‌شود.

برای نخستین بار قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۳۷ در مقام بیان شرایط بیان می‌دارد که «هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد» محکوم خواهد توانست از این نهاد برخوردار شود. علاوه بر آن و در جهت نظارت مجدد بر عدم تکرار جرم و باز اصلاحی متهم وفق تبصره ۵ «دادگاه صادرکننده حکم آزادی مشروط می‌تواند به پیشنهاد دادیار ناظر زندان و تقاضای دادستان برای مدت آزادی مشروط در ضمن حکم خود محدودیت‌هایی از قبیل اقامت در محل معین و خدمت در مؤسسات خیریه و یا صنعتی یا فلاحی یا نزد کارفرمای معینی را مقرر بدارند». در ادامه نیز در دو تبصره

مجزا بر نقش تکرار جرم یا عدم آن بر روند اجرای مجازات تأکید نموده و در تبصره ۶ بر این امر اشاره می‌دارد که «چنانچه در مدت آزادی مشروط آزاد شده مرتکب جنحه یا جنایت شود با وجود اخطار رسمی دادگاه صادرکننده حکم آزادی مشروط تکرار در نقض محدودیت‌هایی که طبق تبصره ۴ مقرر گردیده بنماید و یا به هر طریق دیگری شایسته نبودن مشارالیه برای اعتمادی که به او شده است ثابت شود، دادگاه به تقاضای دادستان مربوط حکم به بازگشت او به زندان برای اجراء بقیه مدت مجازات خواهد داد. مدتی که در آزادی مشروط گذشته جزء مدت محکومیت محسوب نخواهد شد». لیکن در تبصره ۷ تأکید بر روند اصلاحی را در این قالب ادامه می‌دهد که «هرگاه آزاد شده در تمام مدت آزادی مشروط مستمراً از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد آزادی او قطعی خواهد شد و محکومین به حبس دائم پس از انقضاء مدت آزادی مشروط که زائد بر پنج سال نخواهد بود آزاد خواهند شد» (همتی، ۱۳۸۵: ۶۰).

در ادامه بر اساس قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۶۱، ماده ۳۹ با پرداختن به بحث آزادی مشروط عیناً بر عبارت مذکور در سال ۱۳۳۷ تأکید نموده و سپس در تبصره ۴ اشعار می‌دارد: «چنانچه در مدت آزادی مشروط آزاد شده مرتکب جرم دیگری شود یا با وجود اخطار رسمی دادگاه صادرکننده حکم آزادی مشروط علاوه بر مجازات جرم جدید دادگاه به تقاضای دادستان مربوط حکم به بازداشت او به زندان برای اجراء بقیه مدت مجازات خواهد داد». تبصره ۵ نیز در جهت تأکید بر نقش اصلاحی این قرار تأکید دارد: «هرگاه شخص آزاد شده در تمام مدت آزادی مشروط مستمراً از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد آزادی او قطعی خواهد شد».



فصل چهارم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در پرداخت به نهاد آزادی مشروط نیز با تکرار شرط پیشینی در تبصره ۳ خود در جهت پیشگیری از تکرار جرم بیان می‌دارد: «دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت کند از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا معرفی نوبه‌ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن در متن حکم قید می‌کند که در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب جرم مجدد، بقیه محکومیت وی به حکم دادگاه صادرکننده حکم به مرحله اجرا درمی‌آید» (نوربها، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۴). سپس بر اساس قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۷، با اصلاح ماده ۳۸ از قانون پیش گفته مجدداً بر قید پیش‌بینی عدم ارتکاب دوباره جرم اشاره شده و بر مفاد تبصره ۳ نیز تأکید شد.

در نهایت نیز در سال ۱۳۹۲ ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی با تعیین تکلیف نهایی در خصوص این نهاد ارفاقی و در زمره شروط معین گردید که «حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود». همچنین با حذف بیان مراتب در تبصره و با اشعار به آن در طی مواد قانونی جداگانه در ماده ۶۰ مقرر شد: «دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند». متعاقب آن نیز در ماده ۶۱ با تأکید بر پدیده تکرار جرم بیان گردید: «هرگاه محکوم در مدت آزادی

مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود». قانون اخیرالصدر با پذیرش شرط «پیش‌بینی اصلاح مرتکب» در بند «ب» ماده ۴۰ در بحث از تعویق صدور حکم و بیان دوباره آن در مفاد ماده ۴۶ از همان قانون در خصوص تعلیق اجرای مجازات نیز بر اهمیت عدم تکرار جرم در اخذ نهادهای ارفاقی تأکید نمود.

بر همین اساس واکاوی سابقه تقنینی در خصوص اخذ هرگونه ارتباط معنادار فی‌مابین پیشگیری از تکرار جرم و نهاد آزادی مشروط نشانگر این امر است که ذهن و ضمیر مقنن ایرانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی و در کلیه ادوار تقنینی خود بر نقش و اهمیت پیشگیری از تکرار جرم در هر دو بازه قبل از اصدار این قرار و پس از آن معطوف بوده است.

۲- آزادی مشروط و پیشگیری از تکرار جرم

همان‌گونه که در بخش قبل، بررسی سابقه تقنینی نهاد آزادی مشروط نشان می‌دهد اصدار حکم آزادی مشروط در دو بستر مجزا ظرفیت مناسبی جهت پیشگیری از تکرار جرم را خواهد داشت که می‌توان آن دو را در دو بخش قبل و بعد از اصدار حکم آزادی مشروط تبیین نمود.

۲-۱- پیش از اصدار حکم

مطابق با آخرین مقرر مقرر در خصوص آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این امر که حالات و رفتار محکوم نشانگر عدم ارتکاب جرم پس از آزادی باشد را از جمله شروط مدنظر دادگاه

صادرکننده حکم در اصدار این حکم می‌داند. عدم ارتکاب مجدد جرم را می‌بایست در گستره قاعده پیشگیری از تکرار جرم مورد امعان نظر قرار داد. بر همین اساس نکته مهم و قابل بحث این است که اساساً چه ضوابطی می‌بایست از سوی قاضی دادگاه در جهت نیل به این نکته مدنظر قرار گیرد که اصولاً محکوم پس از آزادی مرتکب جرم جدیدی نخواهد شد. در این راستا پاره‌ای از نگارندگان معتقدند که قانون فاقد ضابطه‌ای در این خصوص بوده و رویه عملی دادرسان و دادیاران ناظر زندان بیشتر شهودی و تجربی می‌باشد (برزگر و غلامی، ۱۳۹۷: ۲۷). در این میان شاید وضعیت قضایی ایالات متحده آمریکا در استفاده از هیئت آزادی مشروط در اخذ تصمیم پیرامون این نهاد و یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها از طریق مقیاس‌ها و معیارهای سنج‌های آماری در خصوص امکان تکرار جرم از سوی محکومین بر این تفکر قوت بخشیده باشد (Champion, 1994: 60).

به نظر می‌رسد علی‌رغم ارائه این نظر می‌توان در گستره قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مبادی متناسبی در این خصوص دست یافت. به عنوان نمونه در ماده ۱۸ از قانون مذکور، دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، مواردی را مورد توجه قرار می‌دهد که از میان آنها انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم که در مانحن فیه فرآیند اجرای کیفر حبس و ایام تحمل کیفر در زندان را نیز شامل می‌گردد و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب را می‌توان در تشخیص تکرار جرم مؤثر دانست. به عنوان نمونه و در خصوص مورد اخیر تعداد افراد تحت تکفل محکوم و سن فرزندان وی را می‌توان مورد لحاظ قرار داد. همچنین ماده ۳۸ از همین



قابل اعتنا در قالب عدم اصلاح مرتکب لحاظ گردیده و واجد اعتباری در ایجاد رویه واحد و هم‌راستا با ماده ۴۱ همان آیین‌نامه در راستای محرومیت شش‌ماهه از پیشنهاد آزادی مشروط باشد. علاوه بر این موارد ماده ۱۹۴ آیین‌نامه نیز در طرح بحث از اعطای نهاد ارفاقی مرخصی، معیارهای درجه اعتباری را به صورتی اعلام می‌نماید که می‌تواند دلالت تام بر پیش‌بینی اصلاح محکوم داشته که رعایت مقررات و امور انضباطی زندان، فعالیت‌های مذهبی و قرآنی، ترک اعتیاد و فعالیت‌های علمی و تحصیلی از این قبیل می‌باشد.

مطالعه مجموع مفاد پیش‌گفته نشانگر این امر است که پیشگیری از ارتکاب جرم از سوی محکومی که مخاطب قرار آزادی مشروط است، پیش از اصدار این تصمیم می‌بایست مورد امعان نظر قاضی مربوطه باشد و فاقد ضابطه خواندن این تصمیم و محول کردن صرف آن به انتخاب قضات نمی‌تواند واجد پایه استدلالی قوی باشد و در مقابل حتی باید قائل به این امر گردید که ضوابط متعدد و گوناگونی در این خصوص از خلال مقرره‌های قانونی موجود قابل اخذ و بحث می‌باشد.

از سوی دیگر و علی‌رغم تعبیر مضیق موجود از ارتباط فی‌مابین حکم آزادی مشروط و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم (افشار، ۱۳۹۸: ۱۹۱) شایسته‌تر آن است که قائل شویم حتی سایر بندهای ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی در مقام ذکر شروطی چون «محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد» (بند الف) و «محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد» (بند ت) این هدف غایی را جست‌وجو می‌نماید که به قاضی صادر کننده چنین تصمیمی متذکر گردد که از مجموعه این فرآیند کیفری نتیجه‌نهایی پیشگیری از تکرار مجدد جرایم

نهاد آزادی مشروط به عنوان آزادی بلاقید و شرط محکوم در قالب اقدامی فاقد نقش بازدارنده و اصلاحی مدنظر مقنن نبوده و هدف غایی پیشگیری از تکرار جرم با استعانت و استفاده از این ابزارهای قانونی و پیشگیرانه محقق خواهد شد. بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعداد های ذاتی مجرم برای اصلاح و باز اجتماعی شدن وی و اصلاح بزهکاران از طریق هم‌نوا کردن دوباره آنها با هنجارهای اجتماعی و لزوم نظارت پس از آزادی از جمله اموری است که مطالعات متعدد بر آن تأکید دارند.

نمی‌شود، لیکن آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ در موارد متعددی بر امکان پیش‌بینی اصلاح محکوم حاضر در زندان یا عدم اصلاح وی تأکید می‌دارد. بر این اساس مطابق با ماده ۴۰ این آیین‌نامه، ارتکاب رفتارهای احصا شده توسط زندانی یا متهم بازداشتی ممنوع بوده و تخلف انضباطی محسوب می‌شود. این رفتارها که از جمله آنها می‌توان به هرگونه گفتار و رفتار مغایر با نظم و عفت عمومی یا متضمن توهین، افترا و تهدید، عدم اطاعت از دستورهای قانونی مسئولان، مراقبان و مأموران مؤسسه، هرگونه درگیری، صدمه زدن به دیگران، خودزنی، اقدام به خودکشی یا تهدید به آن یا ترغیب دیگران به هر یک از این اقدام‌ها و هرگونه اعتصاب و یا اعتراض دسته‌جمعی اشاره نمود، دلالت بر مجموعه اقداماتی دارند که ارتکاب آنها از ناحیه محکوم می‌تواند به عنوان مصادیقی

قانون در مقام احصای جهات تخفیف به مواردی همچون گذشت شاکی یا مدعی خصوصی بالاخص در مراحل اجرای حکم، ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری اشاره دارد که کاربرد مستقیم در سنجش امکان بازگشت حالت مجرمانه را در فرد خواهد داشت. مقارنت عبارت «پیش‌بینی اصلاح مرتکب» در بند «ب» ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی با عبارات صدر ماده در قالب «ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است»، بیانگر ارتباط تام امکان اصلاح و پیشگیری از وقوع جرم با موارد پیش‌گفته دارد. ماده ۶۴ قانون مذکور نیز با طرح بحث از مجازات‌های جایگزین حبس، بر مواردی چون «ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال» تأکید می‌نماید.

مورد نظر قرار دادن چنین سنجه‌هایی را در جهت بررسی امکان تکرار جرم می‌توان در ابزارهای سنجه‌ای دیگر نظام‌های قضایی نیز مشاهده نمود. به‌عنوان نمونه در ابزار سنجه‌ای LSI-R ده زیرشاخه در قالب‌هایی چون وضعیت خانوادگی، وضعیت فردی، احساسی و نگرشی و... رادر خصوص امکان سنجی تکرار جرم در هنگام برخورداری از نهادهای ارفاقی مورد لحاظ قرار داده است (Andrews and Bonta, 1994: 316).

در آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ دلالتی در خصوص نحوه تصمیم‌گیری قضات پیش از اصدار قرار آزادی مشروط مشاهده



عمدی حاصل شود؛ زیرا برآیند حسن اخلاق افراد می‌تواند بیانگر ظرفیت اصلاحی فراهم آمده در آنان بوده و عدم سابقه استفاده از نهاد آزادی مشروط نیز متضمن عدم فعالیت مجرمانه حرفه‌ای و به اصطلاح مجرم به عادت یا حرفه‌ای بودن محکوم است.

۲-۲- پس از اصدار حکم

آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر نقش این نهاد در پیشگیری از وقوع مجدد جرم از ناحیه محکوم پس از اصدار این حکم نیز تأکید ویژه دارد. مستفاد از ماده ۶۰ قانون پیش گفته: «دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند». بنا بر ماده ۴۳ همین قانون در خصوص تعویق مراقبتی، حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن، خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه و گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی را می‌توان به‌عنوان دستورهای صادره از دادگاه لحاظ نمود.

نقش بازدارنده و در کنار آن اصلاحی این دستورها که گستره‌ای از اقدامات حمایتی، عاطفی و تحصیلی و غیر آن را دربرمی‌گیرد

و پیش از سال ۱۳۹۲ و تصویب قانون جدید نیز در قامت و ساختار اعمال محدودیت‌های قانونی مطمح نظر نگارندگان حقوقی بوده است (باهری و داور، ۱۳۸۱: ۳۵۰) به خوبی نشانگر این امر است که نهاد آزادی مشروط به‌عنوان آزادی بلاقید و شرط محکوم در قالب اقدامی فاقد نقش بازدارنده و اصلاحی مدنظر مقنن نبوده و هدف غایی پیشگیری از تکرار جرم با استعانت و استفاده از این ابزارهای قانونی و پیشگیرانه محقق خواهد شد. بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی مجرم برای اصلاح و بازاجتماعی شدن وی (قدسی، قلیزاده و شیخ اسلامی، ۱۴۰۰: ۴۴) و اصلاح بزه‌کاران از طریق هم‌نوا کردن دوباره آنها با هنجارهای اجتماعی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۵۹۰) و لزوم نظارت پس از آزادی (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۹) از جمله اموری است که مطالعات متعدد بر آن تأکید دارند. به دیگر سخن می‌توان فرآیند موجود در ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی را متناسب با اصل فردی یا شخصی کردن مجازات‌ها و تقویت کارایی رسالت بازپرورانه ضمانت‌اجراهای کیفری (بولک، ۱۳۸۲: ۱۵۲) و در انطباق تام با مبانی عدالت ترمیمی (Webber, 2009: 6) دانست.

همچنین مطابق با ماده ۶۱ این قانون: «هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود». بر همین اساس می‌توان ادعا نمود که پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و وقوع پدیده تکرار جرم را باید از عوامل مؤثر در پدیدآیی ذاتی نهاد آزادی

مشروط دانسته و رخداد قطعی آزادی محکوم را منوط به این امر قلمداد کرد. نکته حائز اهمیت آن است که علی‌رغم شباهت مواد ۶۰ و ۶۱ قانون مجازات اسلامی با مواد مرتبط با قرار تعویق صدور حکم یا قرار تعلیق اجرای مجازات در آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۱۳۹۸، صرفاً مطابق با ماده ۶: «پس از صدور قرار تعویق صدور حکم یا قرار تعلیق اجرای مجازات و تعیین مدت آن توسط دادگاه، قاضی اجرا مرتکب را احضار و دستور یا دستورهای دادگاه و چگونگی اجرا را به وی تفهیم و همچنین شیوه‌هایی که امکان نظارت مأمور مراقبتی در طول دوره تعلیق یا تعویق صدور حکم را فراهم آورد، به وی تفهیم می‌کند». همچنین مطابق با تبصره ۱ این ماده: «در قرار تعویق مراقبتی محکوم‌علیه موظف است به‌طور کتبی متعهد شود در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه مرتکب جرمی نشود و دستورها و تدابیر مقرر شده به‌وسیله دادگاه را رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد».

در این میان شاید خلأ مهم‌تر را بتوان نقص نظام کیفری در وارد نمودن مراتب قرار آزادی مشروط در سبج کیفری محکوم دانست. ورود این اطلاعات در سبج کیفری افراد امکان بررسی کم و کیف تکرار جرم توسط آنان را به خوبی فراهم خواهد آورد. مطابق با ماده ۷ از آیین‌نامه پیش گفته: «قرار تعلیق و تعویق اجرای مجازات و الغای قرار مذکور در سامانه مربوط ثبت می‌شود. قاضی اجرا مکلف است پس از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، مراتب را از طریق سامانه به اداره سبج کیفری اعلام کند؛ بنابراین سخنی از حکم آزادی مشروط در این خصوص به میان نیامده است.



برآمد

مجموع داده‌های حاصل از مطالعه حاضر نشانگر نتایج و در نهایت پیشنهادها ذیل است:

۱. قوانین و آیین‌نامه‌های موجود واجد ارائه الگوهای متعددی است که می‌تواند بیانگر ارتباط متقابل نهاد آزادی مشروط و فرآیند پیشگیری از تکرار جرم باشد. به دیگر سخن در مقرره‌های قانونی موجود می‌توان به چهارچوب‌ها و ساختارهای مناسب و کارآمدی دست یافت که به استناد آنها قضات می‌توانند نسبت به پیش‌بینی تکرار جرم یا عدم تکرار آن از ناحیه محکوم تصمیم‌گیری نمایند. لیکن در روبه قضایی موجود میزان استناد به جزئیات این مقرره‌های قانونی در تصمیم‌های نهایی قضات دیده نشده و قضات صرفاً به بیان کلی این امر که اصلاح محکوم و پیش‌بینی عدم تکرار جرم از ناحیه وی امکان دارد بسنده می‌نمایند. به نظر می‌رسد با عنایت به ظرفیت موجود در مقرره‌های قانونی، بتوان انتظار داشت تا مذاقه در این مقرره‌ها در رد یا قبول تقاضای آزادی مشروط به صورت مستند و مستدل و تحکیم روبه قضایی واحد، متقن و عادلانه یاری رسانده و از ایجاد فضای برخورد سلیقه‌ای و فاقد یکپارچگی دور سازد.

۲. سامانه‌های فعلی قوه قضاییه واجد ساختارهای مناسبی در جهت اطلاع‌رسانی یکپارچه پیرامون وضعیت محکومینی که از نهاد آزادی مشروط استفاده می‌کنند، نیستند. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود با ارتقای سامانه‌های موجود کلیه قضات کشور بتوانند به صورت فعال و بدون تأخیر از اصدار دادنامه قطعی جدید در خصوص محکومینی که سابقه استفاده از نهاد آزادی مشروط را دارند مطلع گردند. این امر تا حد زیادی می‌تواند در راستای ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیشگیری از وقوع جرایم جدید را تحکیم نماید.

۳. روبه قضایی حاضر واجد خلأ قابل توجهی در استفاده از ظرفیت ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای الزام محکوم به تبعیت از پاره‌ای دستورهای اصلاحی بوده و عموماً برخورد با نهاد آزادی مشروط در قیاس با نهاد تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم، آزادی بدون قید و شرط به نظر می‌رسد. بر همین اساس عموماً قضات تمایل بیشتری به استفاده از دستورهای مراقبتی در دو نهاد تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم داشته و آزادی مشروط را محمل مناسبی برای تصمیم‌گیری این چنین نمی‌دانند. رفع این خلأ و استفاده از دستورهای اصلاحی کاربردی و متناسب با وضعیت محکومین تا حد زیادی می‌تواند فرآیند پیشگیری از وقوع مجدد جرایم را تسهیل نماید.

پی‌نوشت

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ۱- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد ۳، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۲- اخوت، محمدعلی، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، تهران، صابریون، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ۳- الزر، کریستین، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ۴- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲
- ۵- باهری و داور، محمد و میرزاعلی اکبر خان، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۱
- ۶- بولک، برنارد، زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟ دیباچه در کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲
- ۷- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد ۲، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵
- ۸- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ هفتم، ۱۳۷۶
- ۹- صانی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، جلد ۲، ۱۳۵۲
- ۱۰- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد ۲، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۲
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، مجموعه مقالات تجلیل از آشوری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸
- 12- Andrews, D.A. and Bonta, James, *The Psychology of Crim-*

inal Conduct, London, UK: Routledge, 1994

13- Champion, Dean J. *Measuring Offener Risk*, Westport. USA: Greenwood Press, 1994

14- Lehman, Jeffrey, *West's Encyclopedia of American Law*, (2nd ed.). Detroit. USA: Thomson Gale, 2005

15- Rebecca Webber, "A New Kind of Criminal Justice", Parade, 2009

مقالات

- ۱۶- افشار، حامد، تحلیل آزادی مشروط زندانیان بر اساس قانون مجازات اسلامی، قانون بار، شماره ۹، ۱۳۹۸
- ۱۷- برزگر و غلامی، مهری و حسین، کارکرد روش‌های پیش‌بینی تکرار جرم در اعطای آزادی مشروط، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۷، شماره ۲۴، ۱۳۹۷
- ۱۸- رجبی، ابراهیم، چاووشی، محمدصادق، تحولات نهاد اقدامات تأمینی و تربیتی، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۱ (۳۹)، ۱۳۹۷
- ۱۹- عبدی، عباس، مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۳۸۱
- ۲۰- قدسی، ابراهیم، قلیزاده، بهروز، شیخ اسلامی، عاطفه، پیشگیری از تکرار جرم با حفظ کرامت انسانی بزهکار با نگاهی به آموزه‌های جرم‌شناختی، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۰ (۴۵)، ۱۴۰۰
- ۲۱- قهرمانی، صمد، پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم. اصلاح و تربیت، شماره ۱۰، ۱۳۹۰
- ۲۲- نوربها، رضا، نگاهی کوتاه به قانون مجازات اسلامی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱، ۱۳۷۳
- ۲۳- همتی، محمدباقر، بررسی آزادی مشروط در حقوق ایران، دادرسی، شماره ۶۰، ۱۳۸۵